

مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی
سال سیزدهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۲۶)، صص ۲۷۳-۲۹۸
DOI: 10.22099/JCLS.2021.41026.1886

بررسی میزان همسانی و ناهمسانی سلیقه‌ی کودکان و سلیقه‌ی داوران و منتقدان
بزرگ‌سال کودک در گزینش کتاب‌های برتر*

ناصر نیکوبخت*

سمیه رضایی**

چکیده

صاحب‌نظران، منتقدان و داوران ادبیات کودک هر ساله در جشنواره‌های گوناگون اقدام به انتخاب و معرفی آثار برگزیده می‌کنند؛ اما آیا انتخاب آنان با سلیقه‌ی کودک هم سازگار است؟ تاکنون هیچ پژوهش علمی شایسته‌ای در پیوند با این موضوع صورت نگرفته است. از آنجاکه کانون پرورش فکری کودکان هر چند سال یک‌بار اطلاعات خود را به‌روز می‌کند؛ می‌توان به آثار پرخواننده یا به‌عبارتی پرخواننده‌ترین آثار کودک از سال ۱۳۸۵ تاکنون دست یافت. سؤال روشن تحقیق حاضر این است: آیا کتاب‌های کودک که از سوی منتقدان و داوران به‌عنوان کتاب‌های برتر، انتخاب شده‌اند، همان‌هایی هستند که مخاطبان کودک هم پسندیده و به آن‌ها اقبال نشان داده‌اند؟ در این مقاله پس از استخراج پرخواننده‌ترین آثار کانون پرورش فکری در بازه‌ی ده‌ساله و سپس آثار برگزیده از دیدگاه منتقدان بزرگ‌سال، به مقایسه‌ی نتایج این دو گروه و نقد و بررسی

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس n_nikoubakht@modares.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان s.rezaee@cfu.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۷/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۷/۶

* این پژوهش با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام شده است.

آن پرداخته شده است. پس از بررسی و مقایسه‌ی نمونه‌ی موردی، افزون‌بر دستیابی به معیارهای کودکان و منتقدان آثار کودکانه در سنجش و انتخاب کتاب کودک، نوع این معیارها آسیب‌شناسی گردیده است.

واژه‌های کلیدی: جشنواره، پرخواننده، کتاب‌های برگزیده، کودک و نوجوان، ملاک‌های سنجش، همسانی و ناهمسانی.

۱. مقدمه

در روزگار گذشته، تمایزی بین ادبیات کودک و بزرگسال دیده نمی‌شد و ادبیات کودک و نوجوان به‌طور مستقل وجود نداشت. خوشبختانه در سده‌ی چهاردهم هجری و خصوصاً در چند دهه‌ی اخیر، ادبیات کودک و نوجوان نیز استقلال یافت و هر روز توانمندتر از گذشته به راه خود ادامه داد. با گذشت زمان و به‌تدریج مراکز و نهادهای بسیاری به‌منظور خدمت به این مخاطبان پدید آمد و جشنواره‌هایی به‌صورت دوره‌ای به نقد و بررسی کتاب‌های کودکانه پرداختند. در دهه‌های اخیر، صاحب‌نظران و منتقدان ادبیات کودک، هر ساله کتاب‌هایی را به‌عنوان کتاب‌های برگزیده یا برتر انتخاب و معرفی می‌کنند. گفتنی است که گاهی معیارهای این منتقدان، برای گزینش کتاب برتر با یکدیگر هم‌خوانی و هم‌سویی ندارد.

بدون تردید کتاب‌های کودک باید با علاقه‌ها و سلیقه‌های این گروه سنی هم‌خوانی داشته باشد. اگر نتوان برای ارزیابی آثار از دیدگاه‌های خود کودکان استفاده کرد، دست‌کم می‌توان با در نظر گرفتن سلیقه‌های کودکان، در معیارهای پیشین بازنگری کرد. درحقیقت، می‌توان با بررسی کتاب‌های پرطرف‌دار کودک و استخراج مؤلفه‌های موجود و نظرخواهی از مخاطبان آن آثار، در معیارهای انتخاب آثار برتر اصلاحاتی انجام داد و معیارهایی برای نویسندگان و داوران کتاب‌های کودکان به‌دست داد.

«بزرگ‌سالان از موضع تخصص و شناخت خود دست به انتخاب می‌زنند و کودکان از موضع علائق خود. آنچه اهمیت دارد نزدیک‌شدن این دو موضع به هم است؛ در غیر

این صورت کودکان به راحتی می‌توانند دست رد به سینه‌ی آثاری بزنند که مورد تحسین بزرگسالان قرار گرفته و حتی جوایزی را نیز دریافت داشته است» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۳: ۶۰).
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یکی از سازمان‌هایی است که فعالیت خود را از سال ۱۳۴۴ آغاز کرد و تاکنون خدمات متنوع و ارزنده‌ای برای کودکان این مرزوبوم انجام داده است. در این سازمان، سالانه تعداد زیادی کتاب برای گروه‌های سنی مختلف چاپ و منتشر شده و در همه‌ی استان‌ها و شهرستان‌های کشور توزیع می‌شود. در هر شهرستان، مراکز و نهادهایی برای توزیع و ارائه‌ی کتاب‌های منتشر شده وجود دارد که کودکان می‌توانند با مراجعه به این مراکز به کتاب‌های دلخواه خود دسترسی پیدا کنند. باتوجه به بررسی‌های انجام شده، مخاطبان کودک به برخی از این کتاب‌ها و آثار کودکانه اقبال بیشتری نشان داده‌اند.

کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در همه‌ی شهرهای کشور، در فروشگاه‌های وابسته به کانون توزیع و منتشر می‌شود و می‌توان با مراجعه به این فروشگاه‌ها از پرفروش‌ترین کتاب‌هایی که مخاطبان واقعی کودک را جذب می‌کند و کودکان برای خواندن این کتاب‌ها هزینه‌ای را پرداخت می‌کنند، مطلع شد. راه‌های دیگری برای استخراج آثار پرخواننده وجود دارد؛ برای مثال، می‌توان با مراجعه به جایزه‌ی هدهد سفید که در سال ۱۳۹۷ از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار شد، به بعضی از پرخواننده‌ترین آثار دست یافت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به دلیل دسترس پذیر بودن کتاب‌های پرخواننده‌ی کانون پرورش فکری، در این مقاله پس از استخراج پرخواننده‌ترین آثار کانون، در سطح کشور و در بازه‌ی زمانی (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵) و همین‌طور آثار برگزیده از دیدگاه منتقدان بزرگسال، به مقایسه‌ی نتایج این دو گروه و نقد و بررسی آن پرداخته شده است.

هدف از انجام این پژوهش آسیب‌شناسی ادبیات کودک و بازشناخت میزان تفاوت‌ها و همسانی‌های نظر داوران و منتقدان ادبیات کودک با سلیقه‌ی خود کودکان و درنهایت

بازنگری در رویکرد معمول و به‌دست‌دادن و افزودن معیارهایی مطابق با سلیقه‌ی مخاطبان آثار، برای گزینش کتاب‌های برتر است.

باتوجه‌به اینکه بیشتر پژوهش‌ها در حوزه‌ی علوم انسانی از نوع کتابخانه‌ای است و حضور تحقیقات میدانی کم‌رنگ و درعین‌حال اجتناب‌ناپذیر است و همین‌طور به این دلیل که در نظر داشتن سلیقه‌ی مخاطبان کتاب‌های کودک برای نوشتن و نقد ادبیات آنان از ضرورت‌های پژوهشی و تربیتی است، انجام چنین پژوهشی در ارتقای آشنایی داوران در خصوص ملاک‌های برتری یک اثر، بسیار مؤثر خواهد بود.

۱.۱. روش تحقیق

این تحقیق به روش تحلیل محتوای کیفی قیاسی انجام شد. در ابتدا، کتاب‌های پرخواننده و برگزیده، تحلیل و سپس مقایسه‌ای میان آن‌ها انجام شده است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نمونه‌های آماری پرخواننده‌ترین کتاب‌های کانون از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ و پرجایزه‌ترین کتاب‌های کودک و نوجوان است.

در ابتدا پس از مراجعه به نهادها و مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دستیابی به فهرست کتاب‌های کانون و تعداد خوانندگان آثار، فهرستی از پرخواننده‌ترین کتاب‌های کانون در بازه‌ی زمانی سال‌های (۸۵ تا ۹۵) تهیه شد. در مرحله‌ی دوم پس از بررسی آثاری که جوایز مطرح را به خود اختصاص داده‌اند، فهرستی از آثاری که بیشترین جوایز را دریافت کرده‌اند، به‌دست آمد.

برای نقد و بررسی دقیق‌تر موضوع، از مربیان و خوانندگان کودک نیز از طریق پرسش‌نامه نظرخواهی شده است؛ گفتنی است که در این پژوهش، پرخواننده‌ترین کتاب‌های کانون در کل کشور استخراج شده، اما توزیع پرسش‌نامه و انجام مصاحبه فقط در نهادهای کانون پرورش فکری استان فارس انجام گرفته است. سه نفر متخصص در حوزه‌ی ادبیات کودک، پرسش‌نامه‌ها را تأیید کرده‌اند؛ بنابراین روایی پرسش‌نامه‌ها

تأیید شده است. سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز با آزمون آلفای کرونباخ انجام شده و میزان پایایی ۸۵٪ درصد بوده است.

پس از ارائه‌ی پرسش‌نامه‌ها و دستیابی به پاسخ‌های مدّ نظر، به بررسی تحلیلی آثار پرداخته شد و سپس مقایسه‌ای میان آثار پرخواننده و برگزیده از دیدگاه منتقدان ادبیات کودک صورت گرفت. پس از بررسی آثار پرخواننده و برگزیده و مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر، میزان هم‌سویی دیدگاه داوران و منتقدان با سلیقه‌ی کودکان و مخاطبان آثار مشخص گردید.

۲.۱. پیشینه‌ی تحقیق

در پژوهش‌های انجام‌شده گاهی به نقد متن پرداخته شده و گاهی نیز تصاویر از منظرهای گوناگون نقد و بررسی شده‌اند. گاهی نیز آثار پرخواننده در یک دوره بررسی و نقد گردیده است. برای مثال، تقیان (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در پرخواننده‌ترین آثار ادبیات داستانی کودکان (سال‌های پس از انقلاب اسلامی) آثار پرخواننده را مطالعه کرده و شخصیت‌های داستانی را در این آثار بررسی و تحلیل کرده است.

در میان پژوهش‌های صورت‌پذیرفته و در فرآیند جست‌وجو، هیچ پژوهشی یافته نشد که آثار پرخواننده را با آثار برگزیده، در بازه‌ی زمانی معین، به‌منظور دستیابی به جایگاه کودکان در عرصه‌ی نقد کتاب‌های کودک و بازشناخت اختلاف معیارهای دو گروه مقایسه کرده باشند.

۲. بحث و بررسی

پس از استخراج کتاب‌های پرخواننده و برگزیده این نتیجه به‌دست آمد که بیشتر این کتاب‌ها به مخاطبان گروه سنی «ب» و «ج» اختصاص دارد که کودکان دبستانی هستند و باید در نظر داشت که «سال‌های دبستان با پیشرفت‌هایی در توانایی‌های ورزشی؛

فرایندهای تفکر منطقی؛ مهارت‌های سوادآموزی؛ شناختن خویشتن، اصول اخلاقی و روابط دوستی و شروع عضویت در گروه همسالان مشخص می‌شود» (برک، ۱۳۹۹: ۱۵). پس از بررسی عنوان همه‌ی کتاب‌های برگزیده از کتاب‌شناسی برگ‌های ماندگار این نتیجه به دست آمد که فقط چند کتاب از میان پنجاه اثر پرخواننده در جشنواره‌ها به‌عنوان اثر برتر انتخاب شده‌اند. پل هازار نویسنده و فیلسوف فرانسوی در کتاب‌ها، کودکان و انسان، درباره‌ی تفاوت میان سلیقه‌ی کودک و منتقدان بزرگسال ادبیات کودک، می‌گوید: «کودکان از خود دفاع می‌کنند. این را بگوییم... آن‌ها به تمام و کمال قادرند، آنچه آن‌ها را ناخرسند می‌کند، تبیین کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را مجبور کند که از کتابی که لذت نمی‌برند لذت ببرند...» (Arbuthnot, 1964:16)

اینک به بررسی هر دو گروه کتاب‌های پرخواننده و برگزیده براساس محتوا، طرح، زبان، ساخت و پرداخت و ارائه پرداخته می‌شود.

۲. ۱. ملاک‌های کلی ارزش‌یابی کتاب‌های کودکان و نوجوانان

در این پژوهش پس از بررسی آیین‌نامه‌های جشنواره‌ها، این نتیجه به دست آمد که همه‌ی جشنواره‌ها به محتوا، زبان، مسائل فنی، چگونگی ساخت و پرداخت و کیفیت تصویرگری اثر توجه داشته‌اند؛ بنابراین شیوه‌نامه‌ای که به‌طور کامل به همه‌ی معیارهای گفته‌شده بپردازد، مبنای این پژوهش قرار گرفت.

شورای کتاب کودک در سال‌های نخستین تأسیس به تنظیم معیارهای ارزشیابی کتاب‌های کودکان و نوجوانان از منظر کیفیت محتوا، کیفیت ساخت و پرداخت، کیفیت زبان و شیوه‌ی نگارش، کیفیت تصویرها و ارائه پرداخت. از آنجاکه کتاب‌های بررسی‌شده، بیشتر از نوع کتاب‌های داستانی بودند و اینکه آثار برگزیده به‌لحاظ متن (نه تصویر) به‌عنوان نمونه‌های آماری انتخاب شدند و همین‌طور به این دلیل که بررسی تصاویر همه‌ی کتاب‌ها فرصت مجزایی می‌طلبد، در این پژوهش، کتاب‌ها از چهار منظر کیفیت محتوا، کیفیت ساخت و پرداخت، زبان و شیوه‌ی نگارش و کیفیت ارائه بررسی می‌شود.

۲. ۱. ۱. کیفیت محتوا

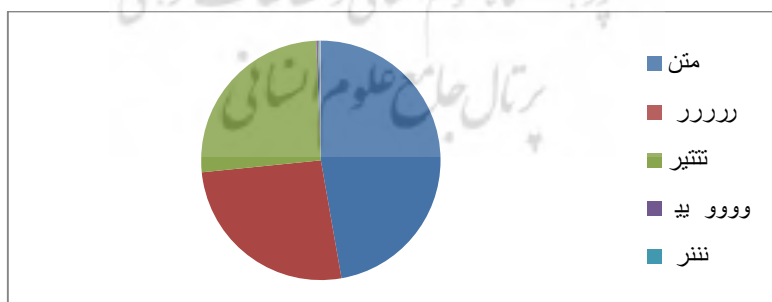
در نظرسنجی که از کودکان انجام شد، محتوا بیشترین اولویت را در میان معیارهای انتخاب کتاب برای کودکان داشت و البته یکی از معیارهای پرتکرار در آیین‌نامه‌های جشنواره‌ها نیز همان کیفیت محتوا بود. بر اساس شیوه‌نامه‌ی شورای کتاب کودک، محتوای کتاب از چند بعد ارزیابی می‌شود که عبارتند از:

«مفاهیم و افکار ارائه‌شده ارزشمند باشند. محتوا با تجربه‌ها، نیازها، علاقه‌ها و توانایی‌هایی کودکان و نوجوانان متناسب باشد. درباره‌ی موضوع موردبحث با پیش‌داوری و تعصب قضاوت نشود. مفهوم ارائه‌شده قابل تعمیم و متناسب با نیازهای اکثریت جامعه باشد. حس کنجکاوی خواننده و علاقه‌ی او را به مطالعه برانگیزد و از هر نوع نصیحت مستقیم دور باشد» (علوی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

اینک به بررسی کتاب‌های برگزیده و پرخواننده از نظر محتوا پرداخته می‌شود:

۲. ۱. ۱. ۱. کتاب‌های برگزیده

نویسنده‌ی کتاب *برگ‌های ماندگار* آثاری را که در جشنواره‌ها برگزیده شده‌اند، طی بازه‌ی زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ در این مجموعه گردآوری کرده است. این کتاب مشتمل بر مشخصات کتاب‌شناسی ۲۴۸۱ کتاب است که به کسب جوایز به‌دلیل ارزشمندی ترجمه، تصویر، شعر، ویرایش، ناشر، گردآوری و تحقیق، مفتخر شده است. بسامد هریک از دلایل کسب جایزه، در نمودار زیر نشان‌داده می‌شود:

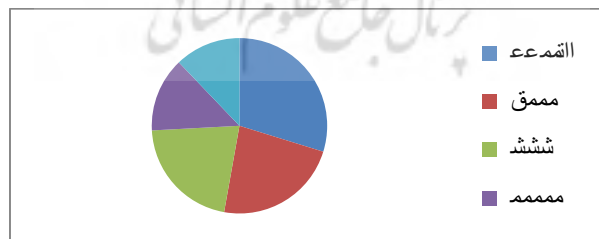


موضوع کتاب‌های برگزیده بیشتر مفاهیم و افکار ارزشمند هستند؛ اما بعضی از این آثار آموزه‌های تربیتی خاصی برای کودکان ندارند؛ برای مثال مجموعه‌ی *قصه، بازی، شادی* (خسرو نژاد، ۱۳۸۸) فقط جنبه‌ی لذت‌بخشی و سرگرمی برای مخاطبان خود دارند. در پاسخ به پرسش دوم مبنی بر اینکه آیا محتوا با نیازهای کودکان هماهنگ است یا خیر، می‌توان گفت در بعضی از کتاب‌ها این هماهنگی وجود دارد؛ اما گاهی آثاری با مضمون عشق در میان آثار برگزیده دیده می‌شود؛ درحالی‌که مخاطبان آن‌ها درک درستی از مفهوم عشق ندارند. در حقیقت کودکان درک درستی از مفهوم حسادت نیز ندارند، هرچند حسادت می‌کنند؛ اما بزرگ‌ترها هستند که از آن رنج می‌برند و داستانی را که دربرگیرنده مفهوم حسادت هست، برای کودکان برمی‌گزینند تا یاد بگیرند که حسادت نکنند یا اینکه منتقدان بزرگ‌سال برای اینکه کودکان را تشویق کنند که به والدین و بزرگ‌ترها احترام بگذارند، کتابی را با مضمون احترام به پدر و مادر و محبت به آن‌ها انتخاب می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت هرچند همه‌ی این مضامین با کودک و دنیای کودکی پیوندی تنگاتنگ دارد؛ اما شاید دغدغه‌ی کودکان نباشد؛ چنان‌که در کتاب‌های پرخواننده‌ی کودک نیز حضور این مضامین دیده نشد.

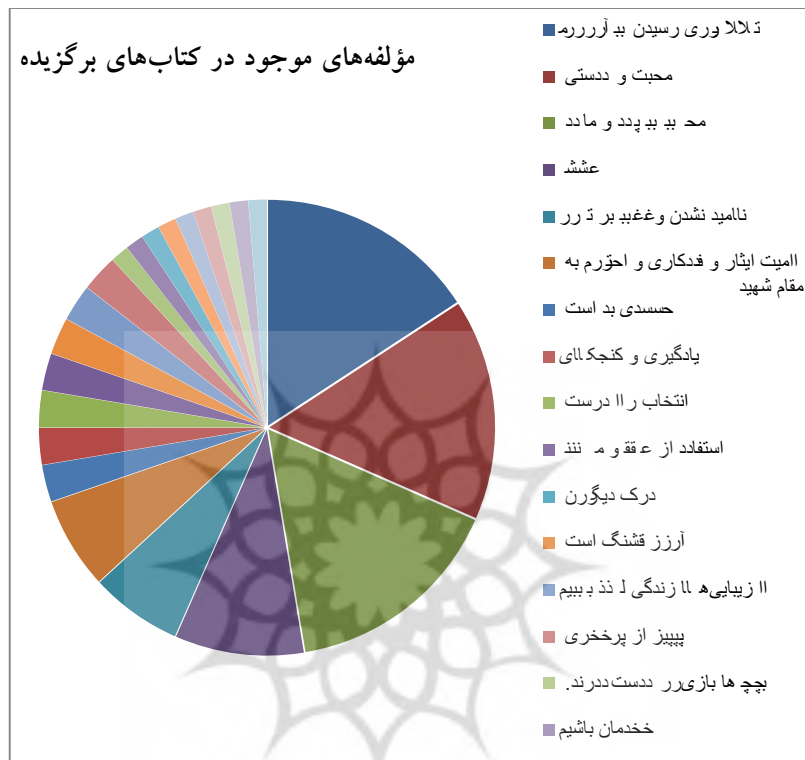
«بزرگ‌ترها در انتخاب کتاب برای کودکان نیاز خود و پسند جامعه را بیشتر از نیازها و خواسته‌های کودکان مدنظر دارند و هر یک ذوق و سلیقه‌ی خاص خود را دارند و خوش آمدن و بد آمدن آنان از کتابی بیشتر بر اساس تجارب و خواسته‌های بزرگ‌سالی خودشان است نه احتیاجات کودکان. حال آنکه باتوجه به خصایص کودکان و نوجوانان و نیازهای این مراحل از زندگی آدمی، کتابی مفید است که محتوایش صلاح آن‌ها را ابلاغ کند و مطلب آن چیزی باشد که در حضور بگنجد و با معاینه و مشاهده بتوان آن را حاصل کرد. بنابراین هدف از نوشتن کتاب و انتخاب آن نباید آن باشد که آنچه به او ارائه می‌دهیم، پسند آدم‌بزرگ‌ها باشد و به قصد شکل‌دادن به بچه‌ها جهت بندگی بزرگ‌سالان و قبولاندن پسند آن‌ها انتخاب شده باشد» (لاریک، ۱۳۶۶: ۷).

باتوجه به بررسی انجام‌شده کتاب‌ها از نظر محتوایی منطبق با نیازهای بیشتر افراد جامعه هستند و داوران تلاش کوشیده‌اند تا کتاب‌هایی را انتخاب کنند که کمتر به

نصیحت‌گویی مستقیم پرداخته باشد؛ اما گاهی دیده می‌شود که بعضی از این آثار دچار شعارزدگی می‌شوند، ولی به‌خوبی می‌توانند حس کنجکاوی خوانندگان کودک را برانگیزند. برای مثال، در کتاب *بعد از زمستان در آبادی ما* (کسرای، ۱۳۴۶)، کودک از همان میانه‌های داستان کنجکاو است که بداند پسر بچه‌ی بازیگوش داستان چه کسی بوده است یا در کتابی با عنوان *وقتی که من بچه بودم* (کسترن، ۱۳۸۷)، کنجکاوی خواننده از همان ابتدای کتاب برانگیخته می‌شود و دوست دارد بداند با تغییر افکار راوی داستان چه تغییراتی در جهان به‌وجود می‌آید، درحالی‌که پایان داستان نیز پاسخ سؤالش را نمی‌یابد و تصمیم می‌گیرد دنیا را از دریچه‌ی چشم خود تعبیر کند و به این حقیقت پی می‌برد که دنیای هرکس محصول نگاه او به جهان هستی است و انسان‌ها هرچه بزرگ‌تر می‌شوند، تجربیات بیشتری به‌دست می‌آورند و دنیای آن‌ها نیز به‌تبع آن بزرگ‌تر و متفاوت‌تر می‌شود. یا مثلاً در کتاب *گرگ و خرگوش* (رحماندوست، ۱۳۸۷) که بازآفرینی از داستان «شیر و خرگوش» است، کودک مخاطب کنجکاو می‌شود که پدر چه نقشه‌ای کشیده است. نگارندگان این مقاله تأثیر کتاب را بر مخاطبان کودک و نوجوان به پنج دسته «شادی، موفقیت، معنویت، خلاقیت و اجتماعی شدن» تقسیم کرده‌اند. پس از بررسی کتاب‌های برگزیده این نتیجه به‌دست آمد که بیشتر این کتاب‌ها به اجتماعی شدن کودک و پس از آن موفقیت در تحصیل و شغل نظر دارند. مؤلفه‌ی سوم شادی و پس از آن معنویت و خلاقیت است. در نمودار زیر بسامد کتاب‌ها، با بیان مؤلفه‌های یادشده دیده می‌شود:

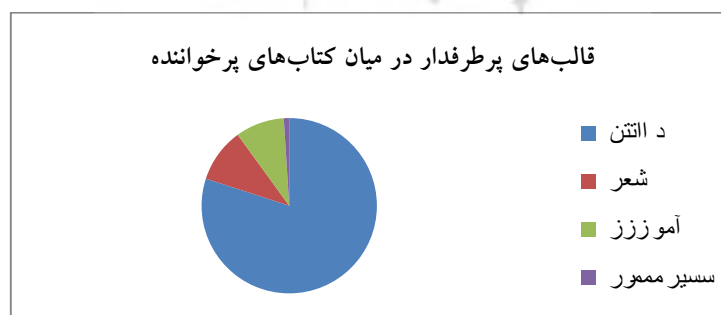


در میان کتاب‌های برگزیده، سه مؤلفه‌ی «تلاش برای رسیدن به آرزوها»، «محبت و دوستی» و «احترام به پدر و مادر» بیشترین بسامد را دارند:

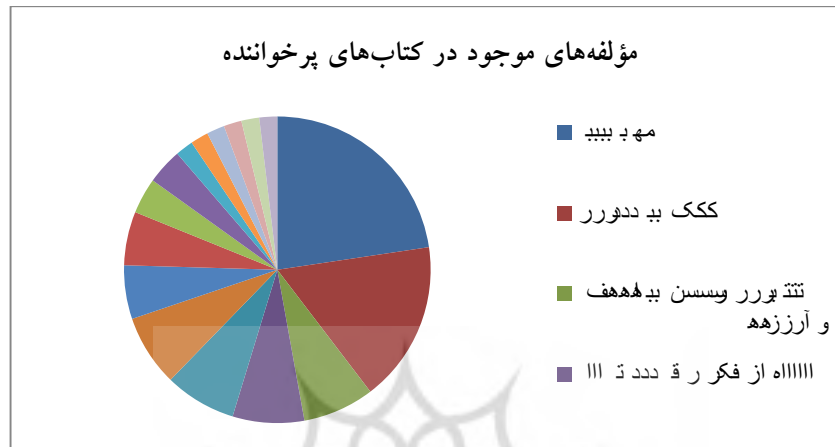


۲.۱.۱. کتاب‌های پرخواننده

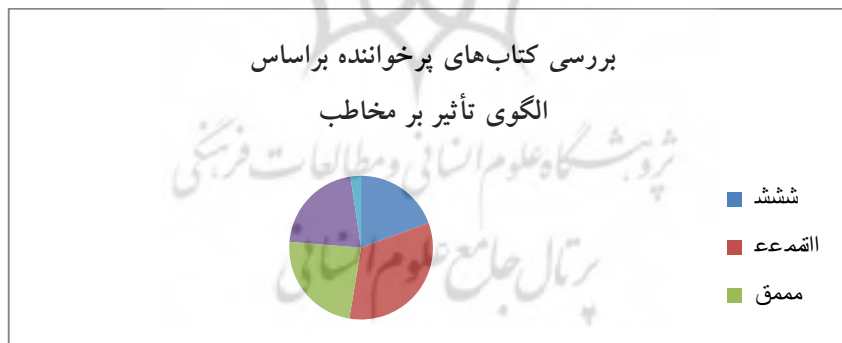
در میان کتاب‌های پرخواننده، قالب داستان بیشترین طرفدار را دارد و پس از آن کتاب شعر و کتاب آموزشی قرار دارند.



پس از بررسی مؤلفه‌ها در داستان‌های پرخواننده این نتیجه به دست آمد که دو مؤلفه‌ی «مهربانی» و «کمک به دیگران» بیشترین بسامد را در میان کتاب‌های پرتعدادار کودکان دارد.



بر اساس الگوی تأثیر بر مخاطب، بیشتر کتاب‌ها به تربیت کودک شاد اهتمام دارند و در مرحله‌ی دوم به اجتماعی شدن کودک یاری می‌رسانند. این کتاب‌ها در مرحله‌ی سوم، کودک موفق و در نهایت کودک معنوی و خلاق می‌آفرینند.



همان‌طور که دیده می‌شود، مؤلفه‌های موجود در کتاب‌های پرخواننده عبارت‌اند از: مهربانی، کمک به دیگران، تلاش برای رسیدن به اهداف، استفاده از قدرت تعقل، امید به لطف خدا و دعا.

براساس بررسی انجام‌شده، همه‌ی کتاب‌های پرخواننده در این پژوهش، ارزش‌های انسانی را به کودکان می‌آموزند و مسلماً محتوای این کتاب‌ها با نیازها و علایق کودکان متناسب است که این امر، مخاطبان را به خود جلب می‌کند. در این کتاب‌ها تا حد امکان قضاوت و داوری به خواننده وانهاده شده است و نویسنده به‌صورت مستقیم نصیحت‌گویی نمی‌کند. کودک در میان داستان می‌فهمد چه چیز خوب است و چه چیز بد و در حقیقت فطرت آگاه کودکان خوب و بد را از هم تشخیص می‌دهد.

کودکان فطرتاً مفهوم مهربانی را دوست دارند و این حقیقت را از نظرات آن‌ها از پاسخ‌های ثبت‌شده در پرسش‌نامه و کتاب‌های محبوبشان می‌توان فهمید. داستان قلب مترسک (اورال، ۱۳۹۵) نه‌تنها کودک را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد که بزرگ‌سال را نیز پس از خواندن داستان به هیجان و شغف وامی‌دارد. ویژگی‌های اخلاقی ماهی رنگین‌کمان (فیستر، ۱۳۸۱) باعث می‌شود که کودک دوست داشته باشد شبیه ماهی رنگین‌کمان باشد. در داستان سگی که قارقار می‌کرد (کلهر، ۱۳۹۲)، کودک دوست دارد دکتری باشد که بتواند سگ را شکست دهد. در این داستان‌ها معمولاً هیجان و احساسات ناب کودکانه وجود دارد. در داستان گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد، خیلی بزرگ (تئوبالد، ۱۳۹۸) اتفاقات هیجان‌انگیز رخ می‌دهد یا داستان خفاش دیوانه (ویلیس، ۱۳۸۷) قابلیت این را دارد که کودک را شگفت‌زده کند. در داستان خشم قلمبه کودک با خشمش به جدال برمی‌خیزد و در داستان در جست‌وجوی خدا (ژوبرت، ۱۳۹۴)، دعای موش کوچولو (همان، ۱۳۹۷) و کلوچه‌های خدا (همان، ۱۳۸۸) کودک پاسخ‌سؤالات فلسفی خود را درباره‌ی خدا به‌دست می‌آورد. درحقیقت این داستان‌ها با زبان ساده‌ی کودکانه کودک را با خود همراه می‌کنند، بدون اینکه مانعی در مسیر آن‌ها وجود داشته باشد و کودک را با هم‌ذات‌پنداری باشخصیت‌های داستانی در مسیر داستان به نقطه‌ی فرود داستان می‌رساند. «بدون هیچ تردیدی ارزشمندی محتوای آثار خاص کودکان و نوجوانان به میزان ارتباط‌های این محتوا با زندگی آن‌ها بستگی دارد. هرچقدر کودکان بیشتر بتوانند

چهره‌ی واقعی و خواسته‌ها و آرمان‌های خود را در آن ببینند به آن بیشتر دل می‌بندند و از آن تأثیر می‌پذیرند» (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۲: ۶۳).

داوران و کسانی که به انتخاب کتاب برای کودکان می‌پردازند باید خود را به «وجود واقعی و شرطی‌نشده‌ی کودکان نزدیک‌تر کنند... و از طریق مراجعه به ضمیر ناخودآگاه و قلب خود و زنده‌کردن خاطرات و احساسات درونی و رؤیایها و آرزوهای خود سعی کنند تصورات خود را آزاد کنند و با چشم کودکی خویش، کودکان را کشف نمایند» (هافمن، ۱۳۷۲: ۷۳).

از آنجاکه محتوا با پی‌رنگ ارتباط تنگاتنگ دارد و تغییر در چگونگی ذکر وقایع در داستان به تغییر در تأثیر داستان بر مخاطبان منجر می‌شود، اینک درباره‌ی طرح کتاب‌های برگزیده و پرخواننده سخن گفته می‌شود.

۲. ۱. ۲. طرح

هر روایت، به جز همتهای پست مدرنیستی آنها (شاید به این دلیل که قصه‌ها همه قصه هستند و هدف پست مدرنیسم به تصویرکشیدن واقعیت‌هاست!)، سیر مشخصی دارد و از نقطه‌ای آغاز و به نقطه‌ای ختم می‌شود. قصه‌ها نیز گونه‌هایی از روایت‌ها هستند. «داستان‌نویس یا قصه‌گو قصه‌اش را از جایی شروع می‌کند و می‌داند که داستانش باید به کجا ختم شود و چه نتایجی به دست آورد. البته تشخیص این روند در داستان امروز، با همه‌ی پیچیدگی‌هایش، کمی مشکل است و به دقت و تأمل نیاز دارد» (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۳).

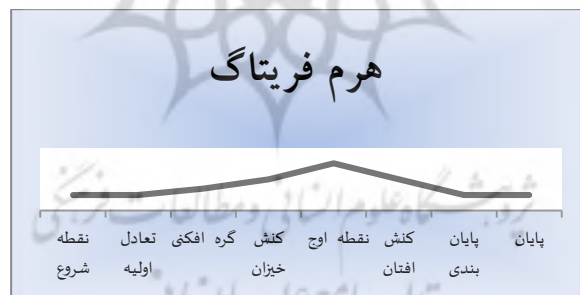
بنابراین همه‌ی روایت‌ها عموماً و قصه‌ها خصوصاً مسیری دارند؛ مسیری که آغاز و پایانی دارد؛ با این تفاوت که در روایت‌های مدرن، گاهی این آغاز و پایان مشخص نیست و عناصر داستانی به صورت فشرده در متن روایت طرح می‌شوند.

به‌طورکلی می‌توان روایت را در معنای عام آن، به تعریف ولادیمیر پروپ روایت‌شناس روسی خلاصه کرد. پروپ، روایت را تغییر وضعیتی از حالت متعادل به نامتعادل و سپس بازگشت به حالت متعادل اولیه می‌داند که می‌توان این تعریف را بر همه‌ی روایت‌ها منطبق دانست؛ با در نظر گرفتن تفاوت‌هایی که در نحوه‌ی طرح عناصر

آن آثار نمود می‌یابد. به نظر پروپ این تغییر وضعیت و یا رخداد از عناصر اصلی روایت است و تقریباً عمده‌ی کار پروپ در ریخت‌شناسی قصه‌ی پریان، شناسایی این رخدادهاست (رک. اخوت، ۱۳۹۲: ۱۸). بنابراین طرح از ابتدا تا امروز همزاد داستان و جزء جدایی‌ناپذیر آن بوده و هست.

«ساختمان همه‌ی طرح‌ها -چه پیچیده و چه ساده- از سه بخش آغاز، میانه و پایان تشکیل می‌شود. هر طرح با واقعه‌ای شروع می‌شود. این واقعه در میانه بسط و گسترش می‌یابد و سرانجام در پایان به اوج خود می‌رسد» (مستور، ۱۳۸۶: ۱۶).

گوستاو فریتاگ، منتقد آلمانی، اجزای پی‌رنگ را در قالب هرمی نشان می‌دهد که هرم فریتاگ نام دارد و سیر طبیعی داستان در آن مشاهده می‌شود. «این الگو که شامل حالت تعادل اولیه، گره‌افکنی، کنش خیزان، نقطه‌ی اوج، کنش افتان و پایان‌بندی می‌شود، فقط بخشی از تحلیل روایی است... الگوی فریتاگ در اصل، کنش و ساختار اندروایی را تراژدی پنج‌پرده‌ای توصیف می‌کند. نمودار تصویری هرم فریتاگ به شرح زیر است (حری، ۱۳۹۲: ۲۹).



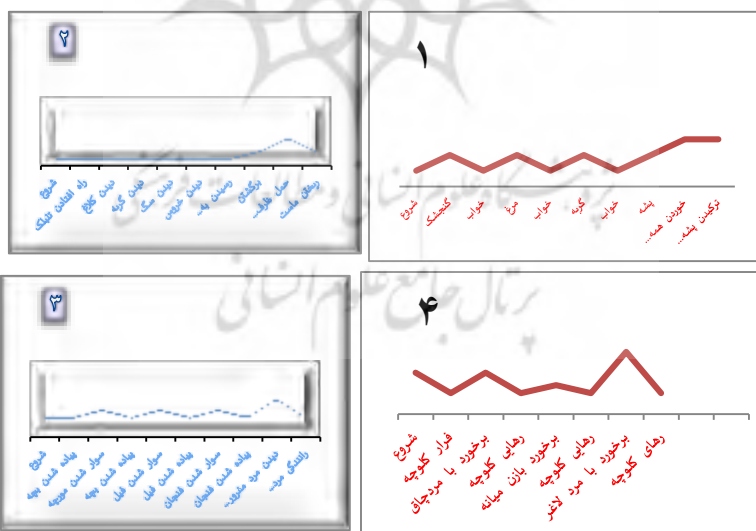
داستان برای تکمیل خود خطی را طی می‌کند که در اصطلاح خط داستانی نامیده می‌شود. وضعیت آرام است تا زمانی که یک ناپایداری آرامش اولیه را به هم می‌زند و قهرمان داستان برای برگرداندن آن آرامش به زندگی یا دستیابی به اهدافی، با بحران‌ها دست‌به‌گریبان می‌شود و کشمکش‌ها به وجود می‌آیند. مسأله‌ای که وضعیت نامتعادل را به وجود می‌آورد، تا نقطه‌ی اوج داستان، حل نشده باقی می‌ماند و در پی کشمکش‌های

شخصیت، کنش‌های داستانی شکل می‌گیرند؛ کنش‌هایی که به‌منظور ایجاد تعادل صورت گرفته است. در این فرایند، مسائل و مشکلاتی بر سر راه قهرمان یا شخصیت اصلی داستان به وجود می‌آید که خط داستان را به‌سوی نقطه‌ی اوج رهسپار می‌کند و پس از طی فرازهایی، گره‌های کور به‌وجودآمده با گشودن گره‌ی اصلی باز شده، داستان به نقطه‌ی فرود رهنمون می‌شود و این‌گونه تعادل به زندگی آدم‌های داستان بازمی‌گردد؛ شرایطی دل‌پسندتر از آغاز بی‌دغدغه‌ی داستان. به این دلیل که لذت حاصل از حل مسأله همیشه بیشتر از آرامش بی‌مسأله است. ساختار داستان‌های کلاسیک اغلب با این طرح منطبق است.

۱.۲.۱. داستان‌های برگزیده

در کتاب‌های برگزیده گاهی دیده می‌شود که طرح داستان از ساختار معهود کلاسیک فاصله می‌گیرد؛ برای مثال در مجموعه‌ی قصه، بازی، شادی اثر مرتضی خسرونژاد (۱۳۸۸) با چنین طرحی روبه‌رو می‌شویم.

در نمودارهای زیر طرح چند داستان از مجموعه‌ی قصه، بازی، شادی دیده می‌شود:



خواننده‌ی این قصه‌ها از ابتدای داستان گرفتار تعلیق می‌شود؛ تعلیقی سرشار از هیجان؛ بدون ترس و دلهره و ناامیدی.

همان‌گونه که در نمودارهای خطی دیده می‌شود، ناپایداری به وجود آمده زود به حالت پایداری بازمی‌گردد و دوباره ناپایداری دیگری به داستان حرکت می‌دهد و کودک تا آخر داستان منتظر است که ببیند چه حادثه‌ی دیگری به وقوع می‌پیوندد. «آنچه کودکان دوست دارند: سرگرمی، حرکت رو به جلو، حادثه، گفت‌وگو، تعلیق و نوآوری با عنصر پیش‌گویی آمیخته‌ای از بیم و امید» (یافا، ۱۳۸۸: ۲۱).

حتی در بعضی از این داستان‌ها نقطه‌ی اوج وجود ندارد و داستان سراسر تعلیق است. در قصه‌ی دهم از این مجموعه، کودک موشی را می‌بیند که از ابتدا همه را می‌خورد. کودک تا پایان منتظر است ببیند که بعد از این چه‌کسی خورده می‌شود. حتی می‌ترسد که خودش را هم بخورد؛ اما زمانی که موش به نویسنده می‌رسد، نویسنده اجازه نمی‌دهد جلوتر برود و با یک نقطه راهش را می‌بندد و این‌گونه کودک غافلگیر می‌شود.

۲.۲.۱. ۲. داستان‌های پرخواننده

بر اساس بررسی انجام‌شده همه‌ی داستان‌های پرخواننده براساس طرح کلاسیک پرداخته شده‌اند و در هیچ‌یک ساختارشکنی در طرح صورت نگرفته است.

۲.۱. ۳. کیفیت ساخت و پرداخت

پس از نظرسنجی انجام‌شده این نتیجه به دست آمد که کودکان به کتاب‌هایی علاقه دارند که آن را بفهمند و درعین حال برای فهمیدن تلاش ذهنی کنند. از نظر شورای کتاب کودک نیز، کتاب مناسب از نظر ساخت و پرداخت ویژگی‌هایی از این دست دارد:

«چگونگی ساخت و پرداخت مطلب برای گروه سنی مورد نظر قابل درک و جالب توجه باشد. ساخت و پرداخت مطلب به گونه‌ای باشد که بتواند خواننده را به نتیجه‌ی لازم برساند، به نحوی که هیچ نیازی به نتیجه‌گیری مستقیم و پند و شعار نباشد. آسان‌پسندی را ترویج نکند و مانع تفکر مستقل خواننده نشود» (علوی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

کودک در سنین مختلف ویژگی‌هایی دارد که او را از دیگران، به‌ویژه بزرگسالان، متمایز می‌کند؛ بنابراین نویسنده‌ی کودک باید با این ویژگی‌ها آشنا باشد تا بتواند با کودک مخاطب ارتباط برقرار سازد.

«رشد شناختی در مرحله حسی-حرکتی با استفاده‌ی کودک از حواس و حرکات برای کاوش کردن محیط، آغاز می‌شود. این الگوهای عمل در مرحله‌ی پیش‌عملیاتی به‌صورت تفکر نمادی، اما غیرمنطقی کودک پیش‌دبستانی درمی‌آیند. بعداً شناخت در مرحله‌ی عملیات عینی به‌صورت استدلال منظم‌تر و منطقی کودک دبستانی تغییر شکل می‌یابد. سرانجام در مرحله‌ی عملیات صوری تفکر به نظام استدلال منظم و انتزاعی نوجوان و بزرگسال تبدیل می‌شود» (برک، ۱۳۹۹: ۳۷).

۲.۱.۳.۱. کتاب‌های برگزیده

در میان کتاب‌های برگزیده، به‌نظر می‌رسد فهمیدن مطالب کتاب‌های پسری که گم شد (قدیرمحسنی، ۱۳۸۴)، وقتی آناکوچولو سرما خورده بود (ندبری، ۱۳۸۴)، روزی که مه بی‌پایان بود (احمدی، ۱۳۸۴)، برخی از داستان‌های مجموعه‌ی قصه بازی شادی (خسرونژاد، ۱۳۸۸)، پسری که بلند بود بشمارد (حدادی، ۱۳۸۴)، تاپ، تاپ تاپ (مشهدی‌رستم، ۱۳۸۴)، و شماره تلفن بهشت (جوکار، ۱۳۸۸) برای گروه سنی ثبت‌شده در پشت جلد کتاب کمی دشوار است. البته برخی از کودکان می‌توانند با یا بدون همراهی بزرگسالان از کتاب برداشت‌های متعددی داشته باشند؛ اما این‌گونه کتاب‌ها شاید برای همه‌ی خوانندگان جذابیت زیادی نداشته باشد. البته می‌توان گفت در این‌گونه آثار خواننده می‌تواند بیشتر به تعامل با کتاب بپردازد و از درون کتاب معانی متعددی را کشف کند.

«اهمیت نظریه‌ی چمبرز و کوشش برای یافتن خواننده‌ی نهفته‌ی درون متن و ویژگی‌های او هنگامی بیشتر احساس می‌شود که با آثاری روبه‌رو شویم که درباره‌ی گروه سنی مخاطبانش اختلاف‌نظر و در توانایی آن‌ها برای ارتباط با کودکان تردید وجود داشته باشد... جایگاه ویژه‌ی شکاف‌های گویا و سبک در آثار احمدی بر بخش‌های دیگر داستان‌های او تأثیر گذاشته و آن‌ها را به متن‌هایی پرتنین و چندلایه تبدیل کرده است؛ متن‌هایی که باوجود سادگی ظاهری، با هربار خواندن مخاطب را به سرزمینی تازه و بکر

از معانی ممکن هدایت می‌کنند. این مسأله همان عاملی است که برخی از فعالان و منتقدان حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان را برآن می‌دارد تا در مناسب بودن داستان‌های او برای کودکان تردید کنند و درک داستان‌های او را بیرون از دایره‌ی فهم آنان بدانند» (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

در بعضی از کتاب‌ها ساخت و پرداخت مطلب به گونه‌ای است که خواننده به راحتی می‌تواند به نتیجه برسد؛ اگرچه نویسنده به پندوانداز مستقیم متوسل نشده است و البته به تأمل و تلاش ذهنی هم نیازی ندارد.

۲. ۱. ۳. ۲. کتاب‌های پرخواننده

پس از بررسی پنجاه کتاب پرخواننده این نتیجه به دست آمد که کودک مخاطب برای فهمیدن کتاب با مشکلی مواجه نمی‌شود و به سادگی می‌تواند با شخصیت داستان هم ذات‌پنداری کند و نتایج خوبی از داستان بگیرد. در این آثار نویسندگان به صورت مستقیم به اندرزگویی نپرداخته‌اند.

۲. ۱. ۴. کیفیت زبان و شیوه‌ی نگارش

اگرچه باتوجه به معیارهای موجود در شیوه‌نامه‌ها یکی از معیارهای اصلی در انتخاب کتاب همان زبان و شیوه‌ی بیان محتوای آن است؛ اما زمانی که از ویژگی‌های یک کتاب خوب از کودکان سؤال شد، محتوا و شکل ظاهری کتاب اولین و مهم‌ترین اولویت را داشت. از نظر شورای کتاب کودک، عواملی که کیفیت زبان و شیوه‌ی نگارش را تعیین می‌کنند، عبارت‌اند از: «بیان سلیس و روان و متناسب با توانایی‌های خوانندگان انتخاب شده باشد. استعداد و مهارت خوانندگان را در استفاده از کلام برای بیان مقصود پرورش دهد. سبک نگارش و موضوع مورد بحث متناسب باشد. سادگی زبان و شیوه‌ی نگارش قابلیت خوانندگان را دست‌کم نگیرد» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۲. ۱. ۴. ۱. کتاب‌های برگزیده

بیشتر این کتاب‌ها برای گروه سنی «ب» و «ج» نوشته شده‌اند. زبان ساده و استفاده از کلمات فهمیدنی برای کودکان یکی از ویژگی‌های کتاب‌های برگزیده کودک است و همین‌طور استفاده از اصوات در داستان‌ها و ساده‌ترین کلماتی که برای کودکان فهم‌پذیر

باشد. برای مثال، در کتاب بوقی که خروسک گرفته بود (حبیبی، ۱۳۸۷) زبان ساده از ویژگی‌های برجسته‌ی کتاب است: «بوقی بود که روی دسته‌ی دوچرخه پسر بچه‌ای این طرف و آن طرف می‌رفت. دنیا را می‌دید برای خودش بوق بوق می‌کرد و خوش بود» (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲).

البته در کتاب‌های برگزیده گاهی دیده می‌شود که متن از نظر زبانی اشکال دارد. «گریه دوباره آمده بود توی گلوی احمد؛ به آرامی گفت: من یادم رفته بود» (طائرپور، ۱۳۷۱: ۳۰). گاهی هم جمله‌های بلند و طولانی در این کتاب‌ها دیده می‌شود: «در یک شب از شب‌های پاییز وقتی ماه بی‌حوصله و خواب‌آلود در آسمان دنبال یک تکه ابر پنبه‌ای نرم برای خوابیدن می‌گشت، چشمش به یک ساختمان خیلی بلند افتاد» (فولادوند، ۱۳۸۶: ۴) و گاهی دیده می‌شود که نویسنده برای گروه‌های سنی بالاتر با زبانی استعاری سخن می‌گوید: «فقط صدای شکسته‌شدن قلب کوچک خودش را شنید که مطمئن نبود هنوز قرمز هست یا نه. درحالی‌که دو قطره اشک راه‌راه از چشم‌هایش می‌چکید افاف را گذاشت» (حدادی، ۱۳۸۶: ۳۸).

در برخی از کتاب‌های برگزیده‌ی نویسندگان از زبان نمادین و شاعرانه برای روایت داستان استفاده کرده‌اند که از این میان *اسب و سیب و بهار* (احمدی، ۱۳۹۵) و *روزی که مه بی‌پایان بود* (احمدی، ۱۳۸۴) و *پسری که گم شد* (قدیرمحسنی، ۱۳۸۴) را می‌توان مثال زد.

صنعت تکرار، واج‌آرایی و صنایع لفظی محبوب کودکان در این کتاب‌ها به‌میزان شایان توجهی دیده می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت زبان بیشتر این داستان‌ها ساده، روان و متناسب با سن کودکان و نوجوانان است و مهارت‌های زبانی آنان را افزایش می‌دهد.

۲. ۱. ۴. ۲. آثار پرخواننده

زبان در آثار پرخواننده‌ی کودکان بسیار ساده و روان است. در این کتاب‌ها اشکالات زبانی دیده نشد؛ برای مثال، در کتاب *زرد و صورتی* (استیگ، ۱۳۹۴) با مضمون فلسفی، سبک نگارش همخوانی زیادی با موضوع بحث‌شده دارد: «در یک روز آفتابی، دو

عروسک چوبی، روی روزنامه‌ای کهنه، کنار هم دراز کشیده بودند. یکی از آن‌ها کوتاه و چاق و صورتی‌رنگ بود. دیگری دراز و لاغر و زردرنگ بود. هوا گرم و آرام بود و به نظر می‌رسید که هر دوی آن‌ها از چیزی تعجب کرده‌اند» (استیگ، ۱۳۸۸: ۲).

نویسنده‌ی کتاب *افسانه کچل کفتر باز*، برای نوشتن داستان کودکانه، از واژه‌های ساده و افعال محسوس و جملات کوتاه استفاده کرده است: «یکی بود، یکی نبود، حاکمی بود، از مال دنیا هیچ‌چی کم نداشت. قصرهایی داشت، اسب‌هایی داشت. دختری داشت و ثروتی بی‌حساب...» (برجسته، ۱۳۸۵: ۶).

۲. ۱. ۵. کیفیت ارائه

شکل ظاهری کتاب و کیفیت کاغذ و چاپ نیز از معیارهای ارزیابی کتاب از نظر منتقدان و کودکان مخاطب است؛ چنان‌که یکی از معیارهای شورای کتاب کودک در انتخاب کتاب برتر، کیفیت ارائه‌ی آن است. از نظر کارشناسان شورا یک کتاب خوب از نظر کیفیت ارائه، ویژگی‌هایی از این دست دارد: «ارائه‌ی کتاب با محتوای آن متناسب باشد و خواننده را به مطالعه برانگیزاند. نوع کاغذ، جلد و صحافی امکان استفاده ممتد از کتاب را بدهد و کتاب تا حد امکان ارزان باشد» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۳: ۱۰۳). صحافی و صفحه‌آرایی کتاب، اندازه و نوع قلم و تناسب متن با تصویر، هماهنگی میان عناصر کتاب، محل قرارگرفتن متن درون تصویر، قطع کتاب و شکل ظاهری آن و هماهنگی محتوا با شکل ظاهری کتاب از مؤلفه‌هایی است که می‌توان با آن‌ها کیفیت ارائه‌ی کتاب را سنجید.

پس از بررسی کتاب‌های برگزیده و پرخواننده این نتیجه به‌دست آمد که هم کتاب‌های برگزیده و هم کتاب‌های پرخواننده بیشتر در قطع خشتی و پس از آن رحلی چاپ شده بودند. صحافی کتاب‌ها به‌وسیله‌ی منگنه و جلد مقوا (تنها یک اثر با جلد سخت صحافی شده بود) یا گلاسه و صفحات کتاب به‌صورت تحریر و بعضاً گلاسه بودند. از آنجاکه این گونه کتاب‌ها را بیشتر ناشران بزرگ چاپ و توزیع می‌کنند و چاپ به‌صورت افست و در شمارگان انبوه انجام می‌گیرد، هزینه‌ی چاپ کتاب‌ها ارزان‌تر از چاپ دیجیتال است؛ بنابراین قیمت این گونه کتاب‌ها برای مخاطبان مناسب‌تر است. اگرچه کتاب‌های کانون پرورش

فکری به صورت رایگان در کتابخانه‌های کانون در اختیار کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد و البته همه‌ی کتاب‌های برگزیده نیز در ابتدا با شمارگان زیاد چاپ و منتشر نمی‌شوند. در بعضی از کتاب‌های پرخواننده، ارائه‌ی کتاب نیز تا حد زیادی با محتوا متناسب بود، برای مثال، در کتاب *خفاش دیوانه* (ویلیس، ۱۳۸۷) عمودی بودن خفاش با قطع رحلی کتاب تناسب درخور توجهی دارد یا کتاب *گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد*، خیلی‌بزرگ (تئوبالد، ۱۳۹۸)، در قطع خشتی بزرگ ارائه شده است که با هیبت گوسفند که چاق و بزرگ بود، تناسب خوبی دارد و در کتاب *شب بنخیر خرس کوچولو* (اش، ۱۳۹۶) بزرگی کتاب با بزرگی خرس متناسب است.

«کتاب‌هایی که ظاهری عجیب دارند برای کودکان از جذابیت برخوردارند، به همین دلیل است که ما کتاب‌هایی را می‌بینیم که خیلی پهن یا دراز یا بسیار کوچک یا بسیار بزرگ است، حتی شکل آن‌ها به شکل اشیاء و حیوانات، میوه‌ها و گل‌ها و ابزارهای آشنا برای آن‌هاست. بعضی از موضوعات در هنگام به تصویر درآوردن ماهیتی عمودی دارند و برعکس برخی ماهیت افقی. وقتی در کتابی قرار باشد درختان مختلف ترسیم شود قطع باریک و بلند مناسب‌تر است، زیرا فضایی که برای ترسیم تصویرها لازم است عمودی است. اندازه و قطع مناسب کتاب تا حدودی به سن خواننده نیز برمی‌گردد. کتاب باید در دست‌های کودک به راحتی قرار گیرد و او بتواند به‌سہولت آن را ورق بزند و بر آن مسلط باشد؛ بنابراین انتخاب قطع‌های غیرعادی که نه با محتوای اثر سنخیت دارد و نه با نیاز خواننده، برای کتاب فضیلت به حساب نمی‌آید» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۳: ۶۹).

در نمودار زیر بسامد کتاب‌ها در قطع‌های گوناگون نشان داده می‌شود:

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های انجام‌شده بر کتاب‌های برگزیده و پرخواننده این نتیجه به دست آمد که:

۱. کتاب‌های برگزیده و کتاب‌های پرخواننده بیشتر برای مخاطبان گروه سنی «ب» و «ج» نوشته شده بودند.

۲. تعداد بسیار اندکی از کتاب‌های پرخواننده در جشنواره‌ها به‌عنوان کتاب برگزیده انتخاب شده بودند.
۳. کتاب‌های داستان بیشترین بسامد را در میان کتاب‌های برگزیده و پرخواننده داشتند.
۴. به‌نظر می‌رسد گاهی داوران جشنواره‌ها، کتاب‌ها را بر اساس سلیقه‌ی بزرگ‌سالانه‌ی خود برای کودکان انتخاب می‌کنند و به سلیقه‌ی کودکانه‌ی مخاطبان آثار، توجه چندانی ندارند؛ درحالی‌که کتاب‌های پرخواننده براساس سلیقه‌ی مخاطبان آنها انتخاب می‌شوند.
۵. براساس رویکرد تأثیر بر مخاطب، بیشتر کتاب‌های برگزیده به خلق کودک اجتماعی و پس از آن موفق در کار و تحصیل اهتمام داشتند و سه مؤلفه‌ی «تلاش برای رسیدن به آرزوها»، «محبت و دوستی» و «احترام به پدر و مادر» بیشترین بسامد را داشتند.
۶. در میان کتاب‌های پرخواننده دو مؤلفه‌ی مهربانی و کمک به دیگران بیشترین بسامد را داشتند و بر اساس رویکرد تأثیر بر مخاطب در مرحله‌ی اول به خلق کودک شاد و در دومین مرحله، کودک اجتماعی می‌پرداختند.
۷. بعضی از داستان‌های برگزیده (مانند مجموعه‌ی *قصه بازی شادی از مرتضی خسرونیژاد*) جنبه‌ی تعلیمی نداشتند؛ اما همه‌ی داستان‌های پرخواننده از آموزه‌های تعلیمی برخوردار بودند و شخصیت‌های این داستان‌ها به‌گونه‌ای پرداخته شده‌اند که کودک می‌تواند با آنان هم‌ذات‌پنداری کند.
۸. داستان‌های پرخواننده و برگزیده حس کنجکاوی خواننده را برمی‌انگیختند و نصیحت مستقیم در آنها وجود نداشت.
۹. داستان‌های پرخواننده از طرح معهود کلاسیک پیروی می‌کردند؛ درحالی‌که بعضی از داستان‌های برگزیده از این ساختار تبعیت نمی‌کردند.
۱۰. بعضی از کتاب‌های برگزیده به‌گونه‌ای پرداخته شده‌اند که فهمیدن آن برای همه‌ی مخاطبان گروه سنی «ب» و «ج» دشوار است؛ درحالی‌که کتاب‌های پرخواننده با زبان و بیانی ساده و فهمیدنی برای گروه سنی مخاطب نوشته شده بودند.

۱۱. از نظر کیفیت ارائه، همه‌ی کتاب‌های برگزیده و پرخواننده با جلد مقوا و کاغذ تحریر یا گلاسه ارائه شده بودند. بیشتر کتاب‌ها در قطع بزرگ خشتی و پس از آن رحلی بودند.

منابع

- احمدی، احمدرضا. (۱۳۸۴). *روزی که مه بی‌پایان بود*. تهران: شب‌اوین.
- _____ (۱۳۹۵). *اسب و سیب و بهار*. تصویرگر: راشین خیریه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اخوت، احمد. (۱۳۹۲). *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.
- استیگ، ویلیام. (۱۳۹۴). *زرد و صورتی*. ترجمه‌ی کلر ژوبرت، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اش، فرانک. (۱۳۹۶). *شب بخیر خرس کوچولو*. ترجمه‌ی فاطمه ابطحی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اورال، یالواج. (۱۳۹۵). *قلب مترسک*. ترجمه‌ی محمدرضا مهرافزا، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- برجسته، لیساجمیله. (۱۳۸۵). *افسانه کچل کفترباز*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- برک، لورا. (۱۳۹۹). *روان‌شناسی رشد*. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی، ج ۱، تهران: ارسباران.
- تقیان، رقیه. (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در پرخواننده‌ترین آثار ادبیات داستانی کودکان (سال‌های پس از انقلاب اسلامی)*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- تئوبالد، ژوزف. (۱۳۹۸). *گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد خیلی بزرگ*. ترجمه‌ی نورا حق‌پرست، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- جوکار، مرضیه. (۱۳۸۸). *شماره تلفن بهشت*. تصویرگر: تهمینه حدادی، تهران: شاهد.

حبیبی، حامد. (۱۳۸۷). بوقی که خروسک گرفته بود. تصویرگر: علیرضا گلدوزیان، تهران: علمی و فرهنگی.

حدادی، هدا. (۱۳۸۴). پسری که بلد بود بشمارد. تهران: شباویز.

_____ (۱۳۸۶). گلی و گورنخر. تصویرگر: علی مفاخری، تهران: شباویز.

حری، ابوالفضل. (۱۳۹۲). روایت‌شناسی: راهنمای درک و تحلیل ادبیات داستانی. تهران: لقاءالنور.

حسام‌پور، سعید و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی دو داستان کودک از احمدرضا احمدی برپایه‌ی نظریه‌ی خواننده‌ی درون متن». ادب پژوهشی، شماره‌ی ۲۳، صص ۹۷-۱۲۱.

خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۷). دیگرخوانی‌های ناگزیر؛ رویکردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۸۸). مجموعه قصه بازی شادی. مشهد: آستان قدس رضوی.

دلانسه، میری. (۱۳۹۲). خشم قلمبه. ترجمه‌ی محمدهدی شجاعی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

رحماندوست، مصطفی. (۱۳۷۸). گرگ و خرگوش. تهران: شباویز.

ژوبرت، کلر. (۱۳۸۸). کلوچه‌های خدا. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۹۴). در جست‌وجوی خدا. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۹۷). دعای موش کوچولو. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شکرآبی زاهد، حمیده. (۱۳۹۲). برگ‌های ماندگار؛ کتاب‌شناسی کتاب‌های برنده‌ی کودکان

و نوجوانان (۱۳۰۰-۱۳۹۰). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شورای کتاب کودک. (۱۳۸۸). گزارش وضعیت ادبیات کودک و نوجوان و کتاب‌شناسی

توصیفی-تحلیلی. شورای کتاب کودک، تهران: کتابدار.

طائرپور، فرشته. (۱۳۷۱). *ماجرای احمد و سارا*. تصویرگر: مهرنوش معصومیان، تهران:

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

علوی، سهیلا. (۱۳۸۲). *تأملی دیگر در ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: یادواره کتاب.

فیستر، مارکوس. (۱۳۸۱). *ماهی رنگین‌کمان و غار هیولاهای دریا*. ترجمه‌ی سیده مرضیه

شعاع هاشمی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

فولادوند، مرجان. (۱۳۸۶). *ماه مهربان*. تصویرگر: اکبر نیکان‌پور، تهران: کانون پرورش

فکری کودکان و نوجوانان.

قدیرمحسنی، عباس. (۱۳۸۴). *پسری که گم شد*. تهران: شباویز. گروه سنی ب و ج.

قزل‌ایاغ، ثریا. (۱۳۹۳). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*. تهران: سمت.

کستنر، اریش. (۱۳۸۷). *وقتی که من بچه بودم*. ترجمه‌ی سپیده خلیلی، تهران: چشم‌انداز.

کسرابی، سیاوش. (۱۳۴۶). *بعد از زمستان در آبادی ما*. تهران: کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان.

کلهر، فریبا. (۱۳۹۲). *سگی که قارقار می‌کرد*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و

نوجوانان.

لاریک، نانسی. (۱۳۶۶). *چگونه بچه‌هایمان را به مطالعه تشویق کنیم*. ترجمه‌ی مهین

مهتاج، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

مستور، مصطفی. (۱۳۸۶). *مبانی داستان کوتاه*. تهران: مرکز.

مشهدی‌رستم، فاطمه. (۱۳۸۴). *تاپ تاپ تاپ*. تهران، شباویز.

ندبری، اینگر. (۱۳۸۴). *وقتی آنا کوچولو سرما خورده بود*. ترجمه‌ی فروغ جمالی،

تصویرگر: لاسه ساندبری، تهران: پیک ادبیات.

ویلیس، جین. (۱۳۸۷). *خفاش دیوانه*. ترجمه‌ی معصومه انصاریان، تصویرگر: تونی راس، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

هافمن، اوتا. (۱۳۷۲). «آینده‌ی کتاب‌های کودکان، کودکان و دنیای کتاب‌های کودکان». *انجمن اولیا و مربیان*. صص ۷۰-۷۴.

یافا، مانوراما. (۱۳۸۸). *چگونه برای بچه‌ها داستان بنویسیم؟*. ترجمه‌ی مهرداد تهرانیان‌راد، تهران: سروش.

Arbuthnot, May Hill. (1964). *Children and Books*. Chicago: Scott Foresman and Company.

